

شواهد و قراین موجود حکایت از آن دارد که امام، ابتدا به ادامه‌ی جنگ، بعد از خرمشهر تمایلی نداشته است، اما دلایل کارشناسان، امام را متقاعد می‌کند که به گونه‌ی دیگری عمل کند. سردار محسن رشید، رییس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در گفت و گو با خبرنگار ایسنا با بیان این مطلب، درباره‌ی "نگاه حضرت امام به جنگ و مبارزه" گفت: برای تحلیل نگاه آن حضرت به جنگ و مبارزه، ما نیاز داریم که اندیشه امام را به خوبی بشناسیم.

وی افزود: معمولا برای شناخت افراد در این سطح، آن شخصیت را با الگوهای موجود مقایسه می‌کنند اما این روش برای شناخت حضرت امام به خاطر شخصیت منحصر به فرد ایشان، نادرست است و ما را به مقصود نمی‌رساند. بلکه در مقام قیاس تنها می‌توان حضرت امام را با الگوهای اسطوره‌ای طول تاریخ اسلام مقایسه کرد.

رشید، درباره‌ی "تناسب اندیشه و عمل" گفت: هر چقدر اندیشمند، دارای فکر منسجم‌تری باشد، عملکردی یک‌دست‌تر از خود بروز می‌دهد. البته گاهی در نظر دیگران عملکرد افراد اندیشمند، ناهمگون می‌نماید. ولی این مساله بخاطر عدم شناخت اندیشه وی از سوی مخاطب است. مانند حضرت علی (ع)، که بعضا او را جامع اضداد لقب داده اند.

وی در "رفتار شناسی امام(ره)" افزود: شخصیت حضرت امام هم در مرتبه خود، چنین بود. مثلاً وقتی که بنی‌صدر از سانحه‌ی سقوط هلی‌کوپتر جان سالم به در برد در حالی که دیگران او را متهم به فریبکاری می‌کردند، حضرت امام بر صداقت بنی‌صدر تأکید می‌کند. از سوی دیگر ملاحظه می‌شود که مدتی بعد حضرت امام بنی‌صدر را از فرماندهی کل قوا عزل می‌کند. این دو رفتار حضرت امام در ظاهر باهم متفاوت است ولی در واقعیت چنین نیست. بلکه این دو برخورد ظاهرا متناقض، برخاسته از یک اصل ثابت است. در وضعیت اول حضرت امام سانحه هوایی را بهانه کرده و موقعیت بنی‌صدر را که دارای عنوان فرمانده کل جنگ است تقویت می‌کند و در وضعیت دوم هنگامی که روشن می‌شود بنی‌صدر به جنگ به عنوان اصلی‌ترین موضوع کشور پشت کرده و به بحران داخلی مشغول شده است حضرت امام او را عزل می‌کند تا بحران ایجاد شده دامنگیر ارتش و جبهه‌های جنگ نشود.

رییس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، درباره‌ی "استکبارستیزی حضرت امام(ره)" گفت: امام(ره) با هر نفس متکبری به میزان استکبارورزی آن برخورد می‌کرد و در این راستا قبل از برخورد با هر عارضه متکبرانه‌ای ابتدا نفس خود را سرکوب کرده بود. به عبارت دیگر حضرت امام قبل از ورود به صحنه "جهاد اصغر" ابتدا در میدان "جهاد اکبر" پیروز شده بود.

وی ادامه داد: حضرت امام در عرصه‌ی بیرونی و جهاد اصغر با سه مستکبر شناخته شده مواجه بود که با هر کدام برخورد خاص آن را داشت. حضرت امام در برخورد با شاه و نظام شاهنشاهی از آغاز، اقدام نهایی را در پیش نگرفت. بلکه در ابتدا نصیحت می‌کند و به شاه می‌فرماید که "ما عزت تو را می‌خواهیم چرا برای آمریکا نوکری می‌کنی ما شاه عزتمند می‌خواهیم" ولی در مقابل، شاه به اقدام خشونت‌آمیز دست می‌زند فاجعه فیضیه و کشتار ۱۵ خرداد ۴۲ را باعث می‌شود، کشتار ۱۷ شهریور و ۱۳ آبان سال ۵۷ را باعث می‌شود و لذا حضرت امام نیز که در آغاز نهضت خواستار اصلاح رفتار شاه است، مجبور می‌شود اعلام کند که باید شاه از این مملکت برود.

رشید تصریح کرد: حضرت امام در برخورد با آمریکا نیز شروع کننده برخورد نیست ولی ابتکار عمل را در دست دارد مثلا در ماجرای قطع رابطه آمریکا با ایران، این آمریکایی‌ها بودند که اقدام به این عمل کردند و علی‌رغم تنفر عمومی مردم از سیاست‌های دولت آمریکا در دوران سلطنت پهلوی و علی‌رغم شعار عمومی مردم که می‌گفتند بعد از شاه نوبت آمریکا است، هرگز امام خمینی در قطع رابطه با آمریکا پیش قدم نشد بلکه آمریکایی‌ها که می‌خواستند پرستیز تهاجمی علیه انقلاب داشته باشند، اقدام به قطع رابطه کرده و کوشیدند که از این حربه تبلیغی علیه ایران استفاده کنند، لیکن بلافاصله حضرت امام با یک موضع‌گیری استادانه، ابتکار عمل را در دست گرفته و با استقبال از قطع این رابطه، به آمریکایی‌ها تفهیم کرد که اگر چه قطع رابطه با ابتکار آنها صورت گرفته ولیکن ارتباط مجدد حتما با ابتکار عمل ایران خواهد بود. می‌بینید که حدود بیست سال است آمریکایی‌ها در پی برقراری مجدد ارتباط هستند، لیکن همچنان منتظر پاسخ مثبت ایران می‌باشند.

وی در توضیح "شعار جنگ جنگ، تا رفع فتنه از جهان" که اولین بار از سوی حضرت امام(ره) مطرح شد، خاطر نشان کرد: امام در این شعار، ابعاد و گستره‌ی تئوریک مبارزه را تبیین کرد، ولی منظور امام این نبود که ما باید تا رفع فتنه از عالم بجنگیم بلکه این جمله حضرت امام در پاسخ به اظهارات اشخاصی بود که در آن زمان مدعی بودند اسلام مجوز ورود به خاک عراق را به ما نداده است و امام در مقابله تئوری آنهایی که دفاع از مرز و بوم کشور را ملاک قرار داده بودند، اظهار می‌داشت که مرز دفاعی ما مرز انسانیت است و لذا اگر در گوشه‌ای از عالم فرد مظلومی ندای یاللمسلمین بلند کرد بر ماست که به دفاع از حقوق انسانی او بپردازیم هر چند که وی نامسلمان باشد. حضرت امام می‌فرمود که از نظر تئوریک مجاز هستیم که تا رفع فتنه در جهان بجنگیم لیکن فرمود که ما چنین خواهیم کرد. اما از آنجایی که افکار عمومی ملت ایران، اقدامات متکبرانه آمریکا و دولتمردان کشورهای جهان را کاملاً لمس و ادراک می‌کرد، جنگ جنگ تا رفع فتنه در جهان به یک شعار ملی تبدیل شد و از تریبون‌های مردمی به گوش رسید.

رییس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، درباره‌ی متکبر دیگری که حضرت امام به نفسی او پرداخت گفت: صدام حسین و رژیم او، گروه دیگری را تشکیل دادند که امام را به مبارزه طلبید و شکست خورده از صحنه خارج شدند.

وی تأکید کرد: از شواهد برمی آید که حضرت امام هیچگاه نسبت به صدام حسین نگاه مثبتی نداشته است. حتی زمانی که امام در عراق تبعید بود. در عین حال هیچگاه حضرت امام حکم به قتل صدام و جنگ علیه عراق را صادر نکرد مگر هنگامی که ارتش عراق از مرزهای ایران عبور کرد و خاک کشور ما را اشغال کرد. این بار نیز رژیم عراق برای گرفتن ابتکار عمل و تحمیل خواسته‌های خود بر ایران دست به اقدام زده بود. لیکن حضرت امام باز هم ابتکار عمل را در دست گرفت و به جهان تفهیم کرد که هر متجاوزی علیه ایران اقدام کند، ممکن است که در آغاز ابتکار عمل را در دست داشته باشد اما پس از ورود به این بازی، این ما هستیم که نحوه پایان ماجرا را دیکته خواهیم کرد.

رییس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ با اشاره به "توجه به واقع‌نگری حضرت امام" گفت: وقتی امام به عراق تبعید شد، رژیم عراق برای بهره‌برداری از این اتفاق، خواست در تشکیک حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه خلیج فارس از امام تأییدیه‌ای مبنی بر غیرقانونی بودن حاکمیت ایران بر این جزایر را بگیرد اما به جایی نرسید و این مسأله نشان می‌دهد اگر چه حضرت امام انسانی آرمانی بود و به جهت آرمانگرایی خود با رژیم شاه مخالفت می‌کرد لیکن هر روشی را برای دستیابی به آرمانها تجویز نمی‌کرد.

وی با بیان این که "حضرت امام در مدیریت کلان‌نگر بود" گفت: سطح مدیریت امام استراتژیک بود. گرچه گاهی اوقات اشارات ایشان نشان از اشرافشان به جزئیات داشت، امام به نظرات کارشناسی توجه کافی داشت به همین دلیل در پاره‌ای از مقاطع جنگ ملاحظه می‌شود که امام نظرات دیگران را که مخالف نظر وی بوده است تجویز کرده است

سردار رشید خاطر نشان کرد: به طور مثال در جریان ادامه‌ی جنگ پس از فتح خرمشهر، شواهد و قرائن موجود حکایت از آن دارد که امام، به ادامه‌ی جنگ بعد از خرمشهر تمایلی نداشته است اما دلایل کارشناسان حضرت امام را متقاعد می‌کند که به گونه‌ی دیگری عمل کند. به هذگام حضور ناوگان‌های آمریکا خلیج فارس خیرها حاکی از آن است که امام معتقد بود که باید به اولین ناو آمریکایی که به عنوان تهدید حاکمیت جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس از تنگه‌ی هرمز عبور می‌کند، حمله شود، ولی کارشناسان مخالفت می‌کنند و حضرت امام علی‌رغم راسخ بودن بر دیدگاه خویش، عملی شدن نظرات کارشناسان سیاسی را تجویز می‌کند.

وی تأکید کرد: آنچه سبب شد که حضرت امام ادامه‌ی جنگ پس از خرمشهر را بپذیرد، استدلال کارشناسان به مسأله ادامه‌ی تهدید خرمشهر و آبادان از سوی ارتش عراق بود و آنچه سبب شد که عدم حمله به اولین ناو آمریکا را مجاز بدانند، لزوم رعایت انگیزه‌ی افراد مؤثر در کادر رهبری جنگ بود. رشید ادامه داد: این رفتار امام از این زاویه هم قابل تحلیل است؛ حضرت امام به استراتژی نظام کاملاً پایبند بود، با این نگاه مشخص می‌شود که چرا امام در زمانی از فرماندهی کل قوا که بنی‌صدر است حمایت می‌کند و در زمان دیگری او را عزل می‌کند. با مثلاً وقتی سقوط هویزه پیش می‌آید، مطبوعات انگشت اتهام را به سوی بنی‌صدر می‌گیرند و حتی آقای منتظری که در آن زمان از نزدیکان امام بود در سخنانی به طور تلویحی بنی‌صدر را متهم می‌کند ولی امام واکنش نشان داده و از بنی‌صدر حمایت می‌کند

وی اضافه کرد: در جریان مک‌فارلین، امام با وجودی که خود دستور افشای ماجرا را دادند، در برابر گروهی از نمایندگان که به اقدامات دیپلماتیک مسؤولین سیاسی کشور خردگیری می‌کنند، موضع می‌گیرد.

رییس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، در ادامه گفت: حتی برخورد امام با نهضت آزادی را می‌توان از این زاویه تحلیل کرد، چرا که وقتی استراتژی نظام، تنبیه متجاوز را هدف قرار می‌دهد و مردم یکپارچه از آن حمایت می‌کنند، اقدام نهضت آزادی که خلاف استراتژی ملی کشور است واکنش امام را در پی دارد.

آمدن مک‌فارلین ریسکی بود که آمریکایی‌ها کردند، و با چراغ سبزی که داشتند نمی‌توانستند باور کنند که این اتفاق سرانجامی این چنین داشته باشد.

سردار محسن رشید، رییس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، در گفت و گو با ایسنا با بیان این مطلب، در توضیح "ابهامات پیرامون جنگ" با بیان این که یک جنگ هشت ساله ناگفته‌های فراوان دارد و گفتن آنها به زمان بسیاری نیاز دارد، ادامه داد: ما در جنگ دارای مراکز تصمیم‌گیری بودیم و اطلاعات و آگاهی در انحصار یک گروه نیست و نمی‌توان تحلیل همه جانبه‌ای عرضه کرد. هر چند که افراد انگشت‌شماری در کشور هستند که بیشترین اطلاعات را در اختیار دارند، اما فرصت کافی برای ارائه و تدوین تمام زوایای جنگ نبوده است و این امر موجب اشکال در اطلاع‌رسانی دقیق و جامع در مورد جنگ گردیده است.

وی درباره‌ی "جریان مک‌فارلین" در توضیحاتی گفت: این مسأله یک اقدام قدرتمندانه از سوی نظام ماست که هنوز جزئیات آن شکافته نشده است. ضمناً نشان‌دهنده‌ی دوگانگی در بین سیاست‌گزاران آمریکایی است و این که جناح‌هایی در آمریکا نمی‌توانند بین منافع خود و منافع اسرائیل تشخیص و تفکیکی قایل شوند. این مشکل تنها مربوط به آن روز دولت آمریکا نیست بلکه در سال‌های اخیر نیز شما شاهد تناقضات آمریکا در موضع‌گیری نسبت به ایران بوده‌اید این تناقضات ممکن است بعضاً ناشی از سیاست چماق و هویج باشد لیکن بدون تردید بخش مهمی از آن ناشی از دوگانگی در سیستم تصمیم‌گیری آمریکایی‌هاست.

سردار رشید در مورد برخورد نظام بین‌الملل با ایران گفت: نظام بین‌الملل نمی‌خواست که با رژیم تازه متولد شده‌ی ایران، که به هیچ یک از دو قدرت شناخته شده آن روز جهان تمکین نمی‌کرد، گفت و گو کند.

اما مقاومت ما در جنگ، نظام جهانی را مجبور به گفت و گو با ایران کرد. وی گفت: روزی که جنگ آغاز شد دنیا در انتظار شکست ما بود، هنگامی که مقاومت ملت ما بروز کرد و دشمن را در استراتژی شکست داد. عوامل واسط وارد صحنه شدند و باب گفت و گو را با ایران گشودند. اما آنها نه قدرت کافی داشتند که حرف تمام‌کننده‌ای بزنند و نه می‌خواستند که به تجاوز عراق اعتراف کنند. بعد از این که دشمن بیرون رانده شد و خرمشهر فتح شد، نظام بین‌الملل به جای تقدیس این قدرتمندی و مقاومت و اعتراف به نقش متجاوزانه عراق، سیاست سکوت را در پیش گرفت. ادامه‌ی جنگ بعد از خرمشهر که نبردهای بزرگ "خبیر"، "الفجر ۸" و "کربلای ۵" را در پی داشت، زبان بسته نظام جهانی را برای گفت و گو با ایران باز کرد. ابتدا عناصر مرضی‌الطرفین از ترکیه و سپس آلمان پیام‌آور شدند. سپس مکارلین وارد ایران شد و در نهایت قطعنامه‌ی ۵۹۸ تصویب شد که برای اولین بار ایران توانست نسبت به نظام جهانی کمی اعتماد کند اما همین قطعنامه را با کشتار مکه، ورود در خلیج فارس و بمباران حلبچه تلخ کردند تا نشان دهند که آنها پیروزی ایران را در جنگ نمی‌خواهند زیرا که اساسا جنگ با چراغ سبز خودشان آغاز شده بود.

وی ادامه داد: نمی‌توانیم بگوییم که ابتکار عمل برای آمدن مکارلین در دست چه کسی بود، ولی آنچه مسلم است قدرتمندی نظام ما حضور مکارلین را در پی داشته است. البته آمدن مکارلین ریسکی بود که آمریکایی‌ها کردند و با چراغ سبزی‌هایی که داشتند نمی‌توانستند باور کنند که این اتفاق سرانجامی این چنین داشته باشد.

رییس مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ تصریح کرد: نحوه‌ی اقدام آمریکا منجر به دستور حضرت امام مبنی بر عدم مذاکره مسؤولین درجه‌ی یک نظام با مکارلین شد، اما این مسأله حضور وی را در تهران نفی نمی‌کند، مسأله‌ای که در صورت مصلحت روزی مسؤولین درباره‌ی آن سخن خواهند گفت. وی همچنین گفت: علت افشای جریان مکارلین از زاویه‌ی دیگری نیز قابل تحلیل است و آن این که اگر ما در نظام آمریکا دو لابی یهودی و مسیحی را فرض کنیم و برخورد دوگانه آنان را در حوادث اخیر بررسی کنیم، لابی صهیونیستی همواره مخالف نزدیکی آمریکا با ایران در بعد از انقلاب بوده است و در برابر هر اتفاقی که منجر به نزدیکی این دو کشور شود واکنش تندی نشان داده، به همین دلیل اسرائیل همواره مانعی برای نزدیکی دو کشور بوده است با این تحلیل ریشه شکست سفر مکارلین نیز قابل بررسی است.

رشید ادامه داد: بین زمان حضور مکارلین در تهران و زمان افشای آن که به دستور امام انجام شد، فاصله‌ی زیادی است و این سؤال می‌تواند مطرح باشد که امام به رغم مخالفت با مذاکره با مکارلین چرا به افشای همزمان آن دستور نداد، شاید پاسخ به این سؤال کمی دشوار باشد ولی تأمل در آن آموزنده است. آنچه مسلم است زمانی دستور به افشای آن داده شد که عناصر مشکوک به همکاری با اسرائیل در صدد سوءاستفاده از این واقعه برآمدند و خبر محرمانه را در یکی از روزنامه‌های منطقه افشا کردند که البته گفته شده که خبر از سوی افراد وابسته به سیدمهدی هاشمی در اختیار نشریه الشرح قرار گرفت و این مسأله با هدف در انفعال قرار دادن مسؤولین جمهوری اسلامی، صورت گرفته بود. وی در پایان اضافه کرد: حضرت امام لازم دیدند که بار دیگر ابتکار عمل را به دست گیرند و دستور دادند که با افشای این موضوع، دشمن را از به دست گیری ابتکار عمل در صحنه‌ی سیاسی محروم سازند و این اقدام برنامه‌ی دشمن را که می‌رفت یک بحران سیاسی برای ما ایجاد کند، به یک نمایش از پرستیژ ملی تبدیل کرد.